



بطور کلی می‌توان گفت که نگرش‌ها معانی و مفاهیمی آموختنی و اکتسابی هستند که فرد بر اثر تجربه، اندیشه و افکار خاصی آنها را تحصیل می‌کند.

حوزه‌های مختلف نگرش

۱- حوزه عاطفی

آموخته‌ها، محرک‌های محیط زندگی و تجربیاتی که فرد در طول زندگی خود کسب کرده است، همگی با درجات متفاوتی بر احساسات، علایق و امیال او تأثیر می‌گذارند که این تأثیرات ممکن است بسیار سطحی یا فوق‌العاده عمیق باشند. حوزه عاطفی ارتباط مستقیمی با حوزه شناختی دارد. اصولاً حوزه عاطفی نتیجه تأثیراتی است که حیطه شناختی بر ذهن انسان گذاشته است. در حوزه شناختی، کیفیت و عمق ادراک و فهمیدن مورد نظر است ولی آنچه که در حوزه عاطفی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، همان میزان علایق، عواطف و احساسات فرد است که در اثر آموختن و یادگیری حاصل شده است، مثلاً پایبندی افراد به قوانین راهنمایی و رانندگی نشان دهنده آن است که تا چه اندازه این گونه مقررات اثر عاطفی مثبت یا منفی در آنها داشته است. در حوزه عاطفی، هنگامی که فرد به پدیده خاصی اظهار علاقه نمود و به آن دلبستگی پیدا کرد به تدریج به آن عکس‌العمل نشان می‌دهد و سپس برای آن ارزشگذاری می‌کند. در مراحل بعدی که فرد ارزش‌های گوناگونی را کسب نمود نسبت به ادغام ارزش‌ها و از بین بردن تعارضات موجود در بین آنها به طور جدی اقدام می‌نماید تا بدین وسیله بتواند به یک نظام ارزشی منسجم، پویا، محکم و غنی دست پیدا کند. در این نظام، ارزش‌هایی بیشتر مقبول و مؤثر واقع می‌شوند که بر سایر ارزش‌ها برتری داشته باشند. سرانجام فرد پس از بررسی و تجزیه و تحلیل ارزش‌ها و گزینش و انتخاب آنها صاحب یک نظام ارزشی می‌گردد که اعمال، کردار و رفتار او را برای مدت زمان بسیار طولانی و یا حتی ممکن است تا پایان عمر تحت تأثیر قرار دهد.

۲- حوزه شناختی

افکار، عقاید، تفکرات و آموخته‌های ذهنی انسان در حوزه شناختی جای دارند و از عمق، گستردگی و درجات متفاوتی برخوردار هستند. آموزش‌ها در حیطه شناختی باعث پیدایش توانایی‌ها و مهارت‌های ذهنی در انسان می‌شود و او می‌تواند به یادآوری مطالب و بازشناسی آموخته‌های قبلی خود بپردازد. یادگیری‌ها در حیطه شناختی از مسایل بسیار ساده و ابتدایی شروع می‌شود و به تدریج به سوی سطوح مشکل و مراحل پیچیده‌تر پیش می‌رود. بدین معنی که فرد پس از آموختن و درک و فهم مسائل و مطالب مورد علاقه خود قادر خواهد بود که آموخته‌های خود را در موقعیت‌های جدید بکار گیرد و در گام‌های بعدی که به پیشرفت‌های بیشتری در فراگیری دست پیدا کرد، به خوبی می‌تواند با بررسی و تجزیه و تحلیل و آموخته‌های خود شناخت و آگاهی بهتر و روشن‌تری نسبت به آنها به دست آورد. در آخرین طبقه حیطه شناختی، فرد به مرحله‌ای از پیشرفت در آموختن می‌رسد که می‌تواند ارزشیابی کند و درباره مسائل و مفاهیم گوناگون به قضاوت و داوری بپردازد.

۳- حوزه رفتاری

در این حوزه، نگرش‌ها به عمل تبدیل می‌شوند و به صورت رفتار مثبت یا منفی تجلی پیدا می‌کنند. بدین معنی که فرد دانستی‌ها، افکار، عقاید،

مبنای نگرش

پر واضح است که هیچ‌کس با نگرش خاص و مشخصی از مادر متولد نمی‌شود. بیشتر نگرش‌های افراد در طول زندگی و در جریان رشد و تکامل افکار و شخصیت آنها به دست می‌آید. خانواده و اعضای آن، به خصوص والدین، در کسب نگرش‌های کودک نقش بسیار اساسی دارند و با روش‌ها و راهکارها و رهنمودهایی که ارائه می‌دهند، به تفکرات احساسات، ادراکات، ارزش‌ها و به طور کلی نگرش‌های آنها شکل و جهت می‌بخشند.



در برخی موارد، کودکان از نگرش‌هایی استقبال می‌کنند که بیشتر مورد توجه والدین هستند از این رو والدین با پذیرش، تشویق و تمجید کودکان خود سعی می‌کنند آنها را در ابراز نگرش‌های مورد نظرشان تقویت نمایند. همان‌طور که گفته شد، انسان نگرش‌های خود را طی مراحل مختلف زندگی کسب می‌نماید. در دوران کودکی که شخصیت فرد در حال تکوین است خانواده، عقاید، نظرات، ارزش‌ها و نگرش‌هایی را در او ایجاد می‌کند. به طور کلی می‌توان گفت بنیان افکار و عقاید هر فرد بر اساس نگرش‌های حاکم بر خانواده پی‌ریزی می‌گردد. هنگامیکه کودک به مدرسه می‌رود و کار آموختن را شروع می‌کند محیط مدرسه و ارزش‌های حاکم بر آن افکار و عقاید مربیان، جو حاکم بر مدرسه، گروه همسالان و همه کسانی که به نحوی با کودک در ارتباط هستند می‌توانند تأثیر بسیار زیادی بر نگرش‌های مورد قبول او داشته باشند. وقتی که فرد وارد اجتماع شد و با گروه‌های مختلف اجتماعی به داد و ستد پرداخت، سعی می‌کند به تدریج خود را با جامعه‌ای که در آن